



نوشتاری از حجت‌الاسلام علوی؛ اربعین؛ فرصتی برای تربیت متفاوت

در نوشتار پیش‌رو، حجت‌الاسلام علوی به بررسی تفاوت تربیتی پیاده‌روی اربعین با دیگر فضاهای دینی می‌پردازد. وی معتقد است برای رسیدن به درجات عالی باید از دین‌داری حداقلی گریخت.

در نوشتار پیش‌رو، حجت‌الاسلام علوی به بررسی تفاوت تربیتی پیاده‌روی اربعین با دیگر فضاهای دینی می‌پردازد. وی معتقد است برای رسیدن به درجات عالی باید از دین‌داری حداقلی گریخت.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن پیش‌رو بخشی از کتاب «گنبد مستجاب» اثر «سیدعلی اصغر علوی» می‌باشد؛ این کتاب به همت نشر سدید (انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام) در پاییز ۹۴ منتشر شده است.

سخن امام در چهل حدیث این است که اگر جهنم نبود، نماز نمی‌خواندیم. [۱] حتی در دفاع مقدس هم شبیه این قضیه جاری بود، اما در اربعین یک بندگی متفاوت دیده می‌شود. تمرینی برای یک زندگی متفاوت برای آمادگی در فضای ظهور مهیاست. این‌جا کسی تهدید نشده است که اگر به زیارت کربلا در اربعین نیاید به جهنم می‌رود.

اربعین را پیاده می‌آیند، به خاطر نورش، ثوابش، اجرش و در یک کلام به خاطر زیبایی‌اش تا قدم به قدم نورانی‌تر شوند.

از این سبک می‌شود الگو گرفت، برای همه زندگی، گناه نکرد به عشق اولیای خداوند نه به خاطر ترس و تهدید از عقاب.

چطور زوار، گرفتاری را گوشه دلشان می‌گذارند و راهی کربلا می‌شوند؟ حرفشان این است که اگر به رفع مشکلشان عنایت شود به لطف است، اگر نشد هم باز به لطف است. در هر دو حالت، کسی برنمی‌گردد. محال است!

اگر در ورودی کربلا گفته شود بیا ولی نمی‌بخشیمت، باز هم کسی برنمی‌گردد. این همان عبادت و بندگی در فضایی است که ضرورتی مثل جهنم دنبالان نکرده است، بلکه بهشتی مثل حسین جلو چشمانمان است. این نوع زندگی فرار از بدبختی نیست بلکه حرکت به خوش‌بختی است به نام حسین! کششی به سمت بهشت حسین. شیوه دیدنی این زندگی را باید در اربعین دید. چطور امام حسین تربیت می‌کند؛ کوله به پشت با زندگی مختصر ولی سرشار از عشق، بیابان‌گردی با شوق!

دلی که انسان نمی‌فهمد امام حسین کی آن را فتح کرد!

با همین نگاه می‌توان در خانه و محل کار هم به عشق حسین کار کرد و زندگی داشت: کسی که تا سال بعد کار می‌کند تا بتواند مجدداً به این سرزمین مشرف شود؛ این زندگی زیباست.

در تقسیمات دستورات الهی با دو دسته روبه‌رو هستیم؛ اوامر و نواهی

مجدداً باید به این سؤال فکر کرد که چرا نقطه مقابل پرتواب‌ترین اعمال مانند زیارت کربلا را جهنم نوشته‌اند!

به یک معنا تهدید جدی مثل محرومیت از بهشت و عذاب جهنم برایش ذکر نشده است. این مایه زیبایی و شکوه عمل است؛ عملی با انگیزه فوق‌العاده مخلصانه. خدا این‌گونه اعمال را جدا کرده تا هر کس آن‌را انجام ندهد. این هم سبکی از دستورات الهی است.

کار دین با اعمال حداقلی راه نمی‌افتد. دین اساساً از جنس رفتارهای بلندهمتانه است. دین که همه‌اش قوانین حقوقی نیست! خدا در تبلیغاتش هم متفاوت عمل می‌کند. در بحث شراب، سخن آن است که ضررش از نفعش بیشتر است. شاید کسی با خود بگوید پس شراب نفع هم دارد؟ اما خدا دنبال مشتریانی می‌گردد که همین که او گفت چیزی بهتر است، برای «بهتر» فدا شوند و به سمتش بیایند. دین می‌خواهد حداقلی نباشیم.

در روایت است اگر کسی کربلا نیاید، در پایین‌ترین مراتب بهشت جا داده می‌شود. می‌خواهند آدم حسابی‌ها بر اساس شعورشان حرکت کنند. انسان تمایل به بد شدن ندارد. نفسی که به زیبایی آفریده شده «وَتَقَسَّ وَمَا سَوَّاهَا» [۲]، «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» [۳] چطور میل به بدی پیدا می‌کند؟

ذائقه، برای انسان موانعی ایجاد می‌کند و نمی‌گذارد غذای آلوده بخورد. نقطه آغاز بدی‌ها، خودش بد نیست و از این‌رو قوای دفاعی ما خیلی متوجه آن نمی‌شود. نقطه آغاز بد شدن همان دون‌همتی و بلندپرواز نبودن است و به کم قانع‌شدن که شاید در ظاهر خیلی‌ها هم نباشد. سخن دین در این است که می‌خواهی نفر اول شوی یا نه؟ امتحانات الهی مسابقه‌ای است: «لِيَبْلُوكُمْ أُيْكُمُ أَحْسَنُ عَمَلًا» [۴] چه کسی بهتر است؟

دون‌همتی فضایی به شدت متعفن نیست که حال ایشان را به هم بزند. کسی که میل رسیدن به اوج نداشته باشد، نقطه آغاز خراب شدن است؛ «همت بلند دار...» و الا شیطان تو را به لجن خواهد کشاند. [۵]

.....

پانوشتها؛

[۱]. شرح چهل حدیث.

[۲]. الشمس، آیه ۷/

[۳]. روم، آیه ۳۰/

[۴]. ملک، آیه ۲/

[۵]. برداشتی از حجت‌الاسلام پناهیان.